



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روز ترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- (۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- (۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- (۳) معرفی روش‌های مقاله و پایان نامه نویسی و ارائه پکیج‌های آموزشی مربوطه
- (۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- (۵) معرفی آموزشگاه‌ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- (۶) ارائه جزوایت و منابع رایگان مرتبط با رشته‌های تحصیلی
- (۷) راهنمای آزمون‌های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۸) راهنمای آزمون‌های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- (۹) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری‌های پربازدید
- (۱۰) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه‌های دارای تخفیف دانشجویی
- (۱۱) معرفی همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های ویژه دانشجویی
- (۱۲) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت‌های معتبر مربوطه
- (۱۳) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سرگذری، معافیت تحصیلی و امریه
- (۱۴) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- (۱۵) معرفی انواع بیمه‌های دانشجویی دارای تخفیف
- (۱۶) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- (۱۷) صفحه ویژه ارائه شغل‌های پاره وقت، اخبار استخدامی
- (۱۸) معرفی خوابگاه‌های دانشجویی معتبر
- (۱۹) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن‌های تحصیلی و...
- (۲۰) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- (۲۱) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- (۲۲) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت‌های مطرح (۲۳)



WWW.GhadamYar.Ir

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

WWW.PortaleDanesh.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۲ ۸۰۱

باما همراه باشید...

www.GhadamYar.com

قانون اعسار

مصوب ۱۳۱۳/۹/۲۰ با اصلاحات بعدی

ماده ۱- معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود قادر به تأمین مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد.^۱

۱. به نظرات اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه به شرح ذیل مراجعه شود:

الف - نظریه شماره ۷/۱۰۹۷۳ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۲:

رسیدگی به دعوی اعسار براساس قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ و اصلاحات بعدی آن و قانون نحوه اجراء محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ و قانون آینین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ به عمل می‌آید. در قانون اعسار به اعسار از محکومه و اعسار از پرداخت دیون ثبتی که منتهی به صدور اجرانیه گردیده اشاره شده (ماده ۳۷) و در قانون نحوه اجراء محکومیت‌های مالی نیز تنها اعسار در مقابل محکومه مالی (غیر از جزای نقدی) مورد نظر مقتضی می‌باشد: طرح دعوی اعسار از جانب مدعی اعسار مستلزم صدور حکم محکومیت وی و الزام وی به تأمین محکومه یا صدور اجرانیه ثبتی است و چون اثر حکم اعسار منع بازداشت یا آزاد شدن معسر از زندان است و در مورد اجرانیه‌های ثبتی مجوزی برای بازداشت مديون نیست، دادن دادخواست اعسار و حتی صدور حکم اعسار تأثیری ندارد و عبیت است بنابراین طرح جنین دعواهی فاقد وجاهت قانونی است. ضمناً شرط رسیدگی به دعوی اعسار از محکومه، زندانی بودن مدعی اعسار نیست.

ب - نظریه شماره ۷/۶۱۴۷ مورخ ۱۳۸۰/۶/۲۶:

وقتی در امور مدنی حکم اعسار کسی صادر شد اگر زندانی باشد آزاد می‌شود و دیگر موجی برای اخذ تأمین از او نیست. اضافه می‌نماید که تقسیط نوعی از اعسار است و در قانون هم پیش‌بینی نشده است که او معسر تأمین اخذ گردد. مضافاً اعسار مربوط به احکام حقوقی است و اخذ تأمین مربوط به امور جزائی است.

ج - نظریه شماره ۷/۴۹۴۸ مورخ ۱۳۸۰/۶/۴:

ماده ۱ قانون اعسار در تعریف معسر مقرر داشته: «معسر کسی است که به واسطه عدم کفایت دارایی یا عدم دسترسی به مال خود قادر به تأمین مخارج محاکمه یا دیون خود نباشد». و با توجه به این‌که در فرض استعلام صدور حکم محکومیت ظهور در اشتغال ذمہ محکوم‌علیه دارد و ماده ۳۷ همان قانون امکان تقسیط بدھی مديون را پیش‌بینی نموده و ماده ۲۷۷ قانون مدنی نیز مقرر داشته: «...ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مديون را پیش‌بینی نموده و از آنجا که اثر حکم اعسار تنها عدم بازداشت محکوم‌علیه ممتنع از پرداخت مهلت عادله یا قرار اقساط دهد». و از آنجا که اثر حکم اعسار تنها عدم بازداشت محکوم‌علیه ممتنع از محکومیت‌های مالی تصریح نموده که: «به دعوی اعسار محکوم‌علیه مطابق مقررات اعسار در مرجع بدھی رسیدگی می‌شود». و در قانون اعسار رسیدگی به این دعوی منوط به قطعیت حکم محکومیت نشده است، در فرض استعلام رسیدگی به دعوی مدعی اعسار، قبل از قطعیت حکم هم منع قانونی ندارد.

د - نظریه شماره ۷/۲۸۲۰ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۱۵:





I - چنانچه حکم محکومیت به پرداخت دیه قطعی شده باشد، اقامه دعوی اعسار از محکوم‌به، بلا منع است هرچند مهلتهای پرداخت دیه به پایان نرسیده باشد.

II - با قطعیت حکم محکومیت به پرداخت دیه و انقضای مهلتهای پرداخت دیه، صرف طرح دعوی اعسار از محکوم‌به نمی‌تواند مانع تقاضای بازداشت محکوم‌علیه توسط محکوم‌له و متعاقباً مانع توقیف او شود.

III - وصول دیه از محکوم‌علیه و بازداشت وی در صورت امتناع از اداء آن مستلزم قطعیت حکم، انقضای مهلت پرداخت دیه و تقاضای محکوم‌له است و اذا مادام که محکوم‌له در این موارد تقاضای نکرده باشد، مطالبه دیه از محکوم‌علیه و بازداشت وی به لحاظ امتناع او از پرداخت آن با قانون مطابقت ندارد لکن همان‌طور که محکوم‌علیه می‌تواند بدون مطالبه دیه توسط محکوم‌له، طوعاً نسبت به اداء محکوم‌به اقدام کند، در صورت قطعیت حکم، می‌تواند ادعای اعسار از محکوم‌به را طرح کند و لازمه اقامه چنین دعوای در بازداشت بودن محکوم‌علیه نیست.

IV - همان‌طور که در ماده ۵۰۷ قانون این دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی هم اشاره شده است اقامه دعوی اعسار از هزینه دادرسی به طرفیت خوانده دعوی اصلی کافی است.

۵- نظریه شماره ۷/۹۹۷۴ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۹:

براساس تبصره ماده ۱۹ آیین‌نامه اجرائی قانون نحوه اجراء محکومیت‌های مالی، تقسیط محکوم‌به نوعی از قول اعسار تلقی می‌گردد. بنابراین با صدور حکم تقسیط محکوم‌به نیز محکوم‌به باید فوراً ازاد شود. و با توجه به ماده ۲۱ همان آیین‌نامه که ضمانت اجراء تخلف محکوم‌علیه تعیین شده برای ازادی مشارالیه قانوناً اخذ تامین یا ضمانت ضرورت ندارد.

۶- نظریه شماره ۷/۹۲۹۱ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۴:

قبول دعوای اعسار از پرداخت مهر قبل از صدور رای در مورد آن وجهه قانونی ندارد.

۷- نظریه شماره ۷/۷۹۴۰ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۳:

معسر مندرج در ماده ۲ قانون نحوه اجراء محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ همان است که در ماده یک قانون اعسار مصوب سال ۱۳۱۲ تعریف شده و لذا قانون اخیر تصویب ناسخ ماده یک قانون اعسار نیست.

۸- نظریه شماره ۷/۶۶۸۱ مورخ ۱۳۷۷/۱۱/۱۹:

با نقض حکم اعسار در صورت درخواست محکوم‌له بازداشت ممتنع از پرداخت دیه بلاشکال است.

۹- نظریه شماره ۷/۳۲۲۲ مورخ ۱۳۷۷/۵/۱۸:

چنانچه منشاء محکومیت حقوقی محکوم‌علیه امر کیفری یا به عبارت دیگر ضرر و زیان ناشی از جرم باشد، هیچ تفاوتی با محکومیت حقوقی محکوم‌علیه در امر حقوقی از حیث تقدیم دادخواست اعسار ندارد.

۱۰- نظریه شماره ۷/۷۸۵ مورخ ۱۳۷۶/۶/۲۸:

چنانچه در قتل غیر عمدى محکوم‌علیه مدعى اعسار باشد و قادر به پرداخت دیه مقرر در حکم نباشد و مالی نیز نداشته باشد می‌تواند دادخواست اعسار به دادگاه صادرکننده حکم تسليم نماید. در صورت ثبوت اعسار محکوم‌علیه و صدور حکم اعسار چنانچه محکوم‌علیه به علت عدم تأیید دیه بازداشت باشد ادامه بازداشت او برخلاف موازین قانونی است و باید قورآ ازاد گردد. دادگاه صادرکننده حکم دیه در مقام رسیدگی به اعسار محکوم‌علیه می‌تواند در صورت احراز و ثبوت اعسار به محکوم‌علیه طبق ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مهلت مناسب داد یا قرار تقسیط صادر نماید. چنانچه در قتل غیر عمدى دیه بر عاقله باشد و لی عاقله قادر به پرداخت نباشد به حکم ماده ۳۱۲ قانون مجازات اسلامی دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

۱۱- نظریه شماره ۷/۸۳۹۹ مورخ ۱۳۷۵/۱۲/۲۸:

با توجه به تعریف مقرر در ماده یک قانون اعسار مصوب سال ۱۳۱۲ در مورد معسر و این که این تعریف درباره محکوم‌علیه موضوع ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ نیز صادق است، در صورتی که چنین شخصی با ابلاغ حکم قطعی لازمالاجراء خود را مشمول تعریف مذکور بداند و قادر به پرداخت دین خود نباشد، می‌تواند دادخواست یا درخواست اعسار به دادگاهی که حکم را صادر نموده است بدهد و دادگاه با دعوت طرفین و با توجه به مقررات، حکم به قبول یا عدم قبول اعسار می‌دهد مقررات ماده ۶۹۶ در بیان موقعیتی است که محکوم‌علیه از پرداخت بدھی خودداری نموده و با تقاضای محکوم‌له بازداشت گردیده و با بازداشت، مدعی اعسار شده است در این صورت تا صدور حکم اعسار یا پرداخت آن به صورت تقسیط در



فصل اول – اعسار در مورد مخارج محکمه

این فصل که مشتمل بر مواد ۲ تا ۱۹ بوده بهموجب بند «۱۲» ماده ۷۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۱۸ ملغی شده و مواد ۵۰۴ تا ۵۱۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور مدنی) مصوب ۱۳۷۹ در مورد اعسار از هزینه دادرسی جایگزین آن گردیده است.

فصل دوم – اعسار در مورد محکوم‌به

ماده ۲۰ – مرجع رسیدگی به دعوای اعسار در مورد محکوم‌به محکمه‌ای است که بدایه به دعوی اصلی رسیدگی کرده است.

دعوی اعسار در مقابل اوراق اجرائیه ثبت استناد در محکمه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهد شد.^۱

ماده ۲۱ – دعوی اعسار در مورد محکوم‌به، به طرفیت محکوم‌له دعوی اصلی و در مورد ورقه لازم‌الاجراء ثبت استناد به طرفیت متعهدله اقامه خواهد شد.

ماده ۲۲ – در رسیدگی به دعوی اعسار در مورد محکوم‌به هرگاه محکوم‌علیه برای معافیت

بازداشت خواهد بود و در زمانی از اد خواهد شد که دعوی اعسار او و لو آن که قبل از طرح شده باشد منجر به صدور حکم قبولی اعسار او شود والا صرف ادعای اعسار مانع تقاضای محکوم‌له و بازداشت محکوم‌علیه خواهد بود. توضیح آن که برای مطالبه کل دیه باید تمام مهلت مقرر در ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی منقضی شده باشد.

یپ – نظریه شماره ۷/۲۹۵۹ مورخ ۱۳۷۳/۶/۲۸: صدور حکم اعسار از پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم قرار تأمین جزائی را رفع نمی‌نماید انجه موجب رفع قرار تأمین مزبور است اجراء با شروع به اجراء حکم کیفری می‌باشد.

۱. به نظریات اداره کل حقوقی و تدبیر قوانین قوه قضائیه به شرح ذیل مراجعه شود:

الف – نظریه شماره ۷/۱۱۳۶۷ مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۲۵:

با توجه به مقررات مذکور در ماده ۲۰ قانون اعسار و ۵۰۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹، مرجع رسیدگی به دعوی اعسار از محکوم‌به دادگاهی است که بدو به دعوی اصلی رسیدگی کرده و حکم محکومیت مالی را صادر نموده است و رسیدگی به اعسار از پرداخت هزینه دادرسی حسب مورد دادگاه تخصین یا دادگاهی است که رأی مورد درخواست تجدیدنظر یا فرجام را صادر نموده است و با عنایت به این که بلاتصدی یا تعطیل بودن دادگاه صادر کننده رأی بدوی امری است استثنای در صلاحیت قانونی دادگاه تغییری ایجاد نمی‌کند، اما رئیس حوزه قضائی در صورت پرخورد با این وضعیت استثنای می‌تواند پرونده را به دادرس علی‌البدل یا شعبه دیگری ارجاع نماید.

ب – نظریه شماره ۷/۶۶۲۲ مورخ ۱۳۷۹/۷/۱۰:

مرجع رسیدگی به دعوی اعسار از محکوم‌به، به تجویز ماده ۲۰ قانون اعسار دادگاهی است که بدایه به دعوی اصلی رسیدگی کرده و حکم محکومیت مالی صادر نموده است. بنابراین اگر حکم محکومیت مالی را دادگاه انقلاب صادر کرده باشد رسیدگی به دعوی اعسار از آن نیز با آن دادگاه است.

ج – نظریه شماره ۷/۲۲۵۰ مورخ ۱۳۷۴/۵/۲۹:

اعسار امری است حادث و هر آن ممکن است شخص ملیء معسر شود، بنابراین چنانچه اعسار محکوم‌علیه رد شده باشد حکم صادره نمی‌تواند اعتبار قضیه محکوم‌ها پیدا نماید و محکوم‌علیه می‌تواند مجددًا با تقدیم دادخواست اعسار ثبوت اعسار خود را از محکمه بخواهد.

موقعی از پرداخت مخارج عدیه نیز ادعای اعسار کند موقتاً بدون رسیدگی مخصوص از مخارج مربوطه به دعوی اعسار معاف است.^۱

ماده ۲۳ - مدعی اعسار باید شهادت کتبی لاقل چهارنفر از اشخاصی که از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشد و عرض حال خود ضمیمه نماید.

در شهادت نامه مذکور باید اسم و شغل و وسائل گذران مدعی اعسار و عدم تمکن او برای پرداخت محکومه به یا دین با تعیین مبلغ آن تصریح شود.

ماده ۲۴ - مقررات مواد ۸ و ۹ و قسمت اول از ماده ۱۰ و ماده ۱۱ و ماده ۱۲ (جز اخطار به مدعی‌العموم) در مورد اعسار نسبت به محکومه به یا دین نیز رعایت خواهد شد.^۲

۱. به نظریات اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه به شرح ذیل مراجعه شود:

الف - نظریه شماره ۷/۸۲۸ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۹

دعوی اعسار محتاج به دادخواست است و با توجه به نتیجه و اثر آن که معافیت محکوم‌علیه از پرداخت محکومه را در پی دارد یک دعوی مالی است مقررات اعسار و تعریفی که برای اعسار وجود و مواد ۲۷ و ۲۲ از قانون اعسار نیز مشتمل همین نظر هستند لذا در پی دادخواست اعسار باید هزینه دادرسی پرداخت گردد مگر این که معافیت از پرداخت هزینه هم استدعا شده باشد که در این صورت موقتاً معاف می‌گردد.

ب - نظریه شماره ۷/۱۰۳۲ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۶

چنانچه محکوم‌علیه ایندیه به ساکن دادخواست تقسیط داده باشد، به لحاظ این که ایندیه باید تکلیف اعسار از محکومه روش نشود و سپس در مورد تقسیط تصمیم‌گیری به عمل آید لذا با پرداخت هزینه دادرسی در مورد اعسار وفق مقررات ماده ۲۲ قانون اعسار، دیگر نیازی به پرداخت هزینه دادرسی برای تقسیط نخواهد بود.

ج - نظریه شماره ۷/۵۶۳۰ مورخ ۱۳۷۸/۸/۱۴

با توجه به مواد ۶۹۳ الی ۷۸۰ قانون این دادرسی مدنی و قانون اعسار مصوب آذر ماه ۱۳۱۳ با اصلاحات بعدی و مواد ۲ و ۳ قانون نحوه اجراء محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷، منظور از اعسار، اعسار از هزینه دادرسی، اعسار از محکومه و اجراییه صادر از اجراء بست با ذکر مبلغ معین است و اگر در مواد ۲۲ و ۲۴ قانون اعسار از محکومه به یا «دین» یاد شده است، منظور از دین وجه لازم‌الاجرا ثبتی بوده و قبل از این که اجراییه علیه شخص صادر شود یا محکومیت مالی پیدا کند تقاضای اعسار از دین قابل رسیدگی نیست.

د - نظریه کمیسیون مشورتی آین دادرسی مدنی (شماره ۱۱۳ هفته دادگستری صفحه ۱۱-۱۲):

«ستفاده از تصریه ۳ ماده ۸۵ قانون آین دادرسی مدنی - فعلماهه ۵۵ - این است که اگر خواهان نسبت به پرداخت هزینه دادرسی مدعی اعسار بوده و حکم بر قول اعسار او از هزینه دادرسی صادر شده باشد این معافیت شامل تأثیره هزینه درج آگهی موضوع ماده ۱۰۰ قانون آین دادرسی مدنی (فعلماهه ۷۳) نیز خواهد بود و در جنین موردی آگهی در روزنامه باید به هزینه دولت منتشر گردد».

الف: مواد ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ به شرح زیر بوده است:

ماده ۸ - هویت شهود را باید نظمیه و یا نایاب‌الحکومه محل یا کخداد تصدیق نماید مگر این که شهود در نزد محکمه معروف باشند.

ماده ۹ - محاکمه اعسار اختصاری است.

ماده ۱۰ - مدیر دفتر مکلف است در ظرف دو روز از تاریخ وصول عرض حال اعسار دوسيه را به نظر حاکم محکمه برساند تا چنانچه حاکم حضور شهود را در جلسه محاکمه لازم بداند به مدعی اعسار احظار شود که در روز مقرر شهود خود را حاضر نماید مدیر دفتر یک نسخه از عرضحال اعسار و مدارک اعسار و ضمانت آن را برای مدعی‌العموم و نسخه دیگر را برای طرف دعوی اصلی ارسال و ضمناً روز جلسه محاکمه را تعیین و ابلاغ

←

ماده ۲۵- در صورت غیبت مدعی اعسار در جلسه محاکمه یا عدم تعقیب او تقاضای مدعی علیه برای رسیدگی به دعوی مزبور کافی است.

→ می‌نماید طرف دعوای اصلی می‌تواند در موقع رسیدگی به دعوی اعسار حاضر شده و اگر دلالتی بر ردا اعسار دارد بیان کند ولی عدم حضور او مانع رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود.

ماده ۱۱ - هرگاه در جلسه رسیدگی یکی از طرفین دعوی اصلی تقاضای رسیدگی نماید و طرف دیگر غائب باشد محکمه بر حسب تقاضای مزبور به دعوی اعسار رسیدگی نموده حکم صادر خواهد کرد و این حکم حضوری محسوب است و در صورتی هم که رسیدگی به دعوی از نوبت خارج شد یا محاکمه توقیف شده باشد تقاضای یکی از اشخاص مذکور برای تعقیب در رسیدگی کافی است.

ماده ۱۲ - محکمه در روز جلسه به استناد و شهادت شپور و امارات مستند هر یک از طرفین دعوی رسیدگی خواهد کرد و هرگاه محکمه نسبت به قسمتی از مدعی به عرض حال اعسار دعوی را ثابت و نسبت به قسمتی غیر ثابت دانست حکم به معافیت مدعی نسبت به همان قسمت که ثابت شده خواهد داد.

محکمه می‌تواند به مدعی العموم و طرف دعوای اصلی در صورتی که شهودی بر ردا اعسار داشته باشد اخطار کند که شهود خود را برای تحقیقات در محکمه حاضر نمایند.

ب: به نظریات اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه به شرح ذیل مراجعه شود:

ب ۱- نظریه شماره ۷/۸۸۲۵ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲

گرچه طبق ماده ۱۲ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب کلیه اختیارات دادستان در قوانین موجود به رئیس دادگستری محول گردیده است، اما چون طرح دعوی به طرفیت دادستان موضوع ماده ۶۹۷ قانون این دادرسی مدنی ساقی در باب اعسار از پرداخت هزینه دادرسی از جمله اختیارات دادستان نبوده، بلکه دعوت دادستان به منظور حفظ حقوق دولت پیش‌بینی شده بود و با توجه به مقررات متفاوت قانون این دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی راجع به اعسار از هزینه دادرسی خصوصاً تصريح ماده ۵۰۷ قانون این دادرسی مدنی جدید ارسال نسخه دیگر دادخواست برای طرف دعوای اصلی با عنایت به حذف دادستان در قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب طرح دعوی به طرفیت خواهد، با رعایت مقررات مذکور در فعل مربوط از قانون این دادرسی دادگستری عمومی و انقلاب در امور مدنی، کافی است و نبایزی به طرح دعوی به طرفیت رئیس دادگستری نمی‌باشد. اما خوانده اصلی دعوی باید جهت شرکت در جلسه دعوت شود. لکن عدم حضور او مانع رسیدگی دادگاه نمی‌باشد.

ب ۲- نظریه شماره ۷/۵۰۰۸ مورخ ۱۳۷۸/۷/۲۸

اولاً - تشخیص مغایرت یا عدم مغایرت قوانین با موازین شرعی، طبق اصل چهارم قانون اساسی، با شورای نگهبان است.

ثانیاً- طبق قانون، کسی که مدعی اعسار است، باید عسرت یا معسر بودن خود را با تقديم دادخواست و اقامه دلیل در دادگاه اثبات کند؛ در ماده ۲۲ قانون اعسار مصوب آذر ۱۳۱۳ با اصلاحات بعدی تصريح شده است «مدعی اعسار باید شهادت کتبی لائق چهار نفر از اشخاصی که از وضع معیشت و زندگانی او مطلع باشند، به عرضحال خود ضمیمه کند. در شهادتنامه مذکور باید اسم و شغل و وسائل گذران مدعی اعسار و عدم تمكن او برای پرداخت محاکمه یا دین، با تعیین مبلغ آن تصريح شود» و طبق قسمتهای اخیر مادتین ۱۰ و ۱۲ همان قانون «.. طرف دعوای اصلی می‌تواند در موقع رسیدگی به دعوی اعسار حاضر شده و اگر دلالتی بر ردا اعسار دارد بیان کند» و «.. محکمه می‌تواند به طرف اصلی در صورتی که شهودی بر ردا اعسار داشته باشد اخطار کند که شهود خود را برای تحقیقات در محکمه حاضر نماید».

ماده ۲۶- حکم رد یا قبول اعسار در مورد محاکومیه قابل استیناف و تمیز است.^۱

فصل سوم - مقررات جزائی

ماده ۲۷- در مورد رد عرض حال اعسار به طریق ذیل رفتار می شود:

- ۱- در صورتی که ادعای اعسار برای معافیت از مخارج عدله باشد محاکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی اعسار را به پرداخت وجوده ذیل محاکوم خواهد کرد.
- الف) دو برابر مخارج دعواه اصلی در مرحله ای که برای معافیت از مخارج آن عرض حال اعسار داده شده در صورت تعقیب دعواه اصلی و در غیر این صورت معادل آن مخارج.
- ب) حق الوکاله وکیل از بابت محاکمه اعسار در صورتی که وکیلی مطابق ماده ۱۸ برای او معین شده باشد و به شرط تقاضای وکیل.^۲
- ۲- در صورتی که ادعای اعسار در مورد محاکومیه باشد محاکمه در ضمن حکم رد اعسار مدعی را به پرداخت وجوده ذیل محاکوم می نماید:

۱. الف - رجوع شود به رأی وحدت رویه شماره ۶۶۲ مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۹ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به شرح زیر:

برطبق ماده ۲۶ قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ حکم رد یا قبول اعسار در مورد محاکومیه قابل استیناف است و بهموجب بند «ب» و ^۳ ماده ۳۲۱ قانون آینین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی کلیه احکام صادره در دعاوی غیر مالی قابل درخواست تجدیدنظر می باشد. بنا به مرتبا و با توجه به غیرمالی بودن دعواه اعسار، رأی شعبه دوم دادگاه تجدیدنظر استان همدان که دعوی مذکور را قابل تجدیدنظر دانسته مستند است ماده ۲۷۰ قانون آینین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری بهاتفاق آراء اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با قانون تشخیص و تأیید می شود. این رأی در موارد مشابه برای دادگاهها و شعب دیوان عالی کشور لازم الایتعاب است.

*) حرف «و» زائد به نظر می رسد.

ب - به نظریات اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه به شرح ذیل مراجعت شود:

ب/۱- نظریه شماره ۷/۲۵۲۱ مورخ ۱۳۷۹/۳/۲۸:

با توجه به ماده ۲۶ از قانون اعسار حکم رد یا قبول اعسار قابل تجدیدنظرخواهی می باشد و در مقوله اعسار فارغ از محاکومیه مرجع تجدیدنظرخواهی از رأی صرفاً دادگاه تجدیدنظر استان، خواهد بود.

ب/۲- نظریه شماره ۷/۸۲۸ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۱۹:

اولاً - تقسیط محاکومیه نوعی از قبول اعسار تلقی می گردد و چون درخواست اعسار از محاکومیه و هزینه دادرسی مالی محسوب می شود بنابراین با توجه به تصایی که خواهد داشت می تواند قابل تجدیدنظر یا غیرقابل تجدیدنظر باشد زیرا تقسیط بدھی محاکوم علیه ملزم می باشند اعسار عدم توانانی وی به پرداخت دفعه واحده محاکومیه و نیز توانایی محاکوم علیه بر پرداخت آن به نحو اقساط مذکور در حکم را دارد که چون تقسیط بدھی محاکوم علیه قبل از تقديم دادخواست و جری تشریفات قانونی و احراز اعسار وی وجاhest قانونی ندارد لذا خود نوعی پذیرش تقاضای اعسار تلقی می شود.

ثانیاً - حکم به قبول اعسار که علیه محاکوم له صادر می شود از طرف وی و در مواعظ قانونی قابل تجدیدنظرخواهی است و حکم به تقسیط محاکومیه نیز که بر علیه محاکوم له صادر می شود به همین روال قابلیت تجدیدنظرخواهی دارد.

۲. ماده ۱۸ قانون اعسار به این شرح بوده است: «وکلای رسمی عدله مکلفند وکالت اشخاص معسر را موقتاً بطور مجایی قبول کنند. تعین وکیل مجایی در این موارد، مطابق نظامنامه وزارت عدله بعمل خواهد آمد».

الف) مخارج محکمه اعسار معادل دو برابر مخارج معمولی.

ب) حق الوکاله وکیل از بابت محکمه اعسار به شرح مذکور در قسمت «ب» فقره اول همین ماده.^۱

ماده ۲۸— مفاد قسمت ۲ از ماده ۲۷ در مورد رد اعسار در مقابل اوراق اجرائیه ثبت اسناد نیز لازم الرعایه است.

ماده ۲۹— اگر پس از صدور حکم اعسار معلوم شود که مدعی اعسار برخلاف واقع خود را معسر قلمداد کرده به حبس تأدیبی از یک ماه تاشش ماه محکوم خواهد شد.

ماده ۳۰— اگر پس از قبول اعسار ثابت شود که شهود قضیه عامداً شهادت دروغ کتبی یا شفاهی داده به مجازات مذکور در قسمت اخیر ماده ۲۱۸ قانون مجازات عمومی^۲ محکوم خواهد شد.

ماده ۳۱— هرگاه معلوم شود پس از صدور حکم اعسار از معسر رفع عسرت شده و معهداً از حکم اعسار استفاده کرده است به تقاضای محکومله یا متعهدله جزاء تعقیب و به حبس تأدیبی تا دو ماه محکوم خواهد شد.

ماده ۳۲— هر کس که بهنحوی از انجاء برای معسر قلمداد کردن کسی که معسر نیست با او تبانی کرده و یا برخلاف حقیقت خود را طلب کار معسر قلمداد و در این موضوع با معسر تبانی کند شریک جرم مذکور در ماده فوق محسوب خواهد شد.

۱. به نظریات اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه به شرح ذیل مراجعه شود:
الف - نظریه ۷/۲۵۹۷ مورخ ۳۷۴/۵/۳۰:

در مورد اعسار از محکومه دیه، چون پرداخت دیه، مالی و به معنای پرداخت محکومه است رسیدگی به آن تابع مقررات قانون اعسار مصوب سال ۱۳۱۳ است که فصل دوم آن اختصاص به اعسار در مورد محکومه دارد، بهموجب ماده ۲۲ این قانون در رسیدگی به دعوی اعسار از محکومه هرگاه محکوم علیه برای معافیت مؤقتی از پرداخت مخارج عدیه نیز ادعای اعسار کند موقتاً و بدون رسیدگی مخصوص از هزینه مربوط به دعوی اعسار معاف است. النهاية چنانچه ادعای اعسار او رد شود طبق ماده ۲۷ همان قانون به پرداخت دو برابر مخارج محکمه محکوم می شود.

ب - نظریه مندرج در شماره ۱۱۰ هفته دادگستری صفحه ۹:

«بند الف ماده ۲۷ قانون اعسار راجیه وصول دو برابر هزینه دادرسی از مدعی اعسار ناظر به موردی است که دادگاه به دعوی اعسار رسیدگی نموده و حکم بر رضاعسار صادر کند ولی اگر مدعی اعسار از دعوی اعسار صرف نظر نماید و دادگاه قرار سقوط دعوی را صادر کند چون در اصل دعوی اعسار رسیدگی به عمل نیامده و حکمی بر رضاعسار صادر نشده مطالبه دو برابر هزینه دادرسی از مدعی اعسار مجوزی نخواهد داشت و همچنین مطالبه معادل هزینه دادرسی از مدعی اعسار در چنین موردی فاقد مجوز قانونی است و بند «الف» ماده ۷۰۷ نیز ناظر به موردی است که دعوی اعسار برای هزینه دادرسی اقامه و رسیدگی شده باشد و به هر حال در دعوی اعسار از پرداخت محکومه و عشریه اجرائی که مدعی اعسار طبق ماده ۲۲ قانون اعسار از پرداخت هزینه دادرسی معاف می باشد، اگر دعوی اعسار استرداد شود و قرار سقوط دعوی صادر گردد مطالبه هزینه دادرسی مجوزی نخواهد داشت و بدینه است که استرداد دعوی اعسار مانع اقدامات اجرائی برای وصول محکومه و عشریه نخواهد بود.»

۲. قانون مجازات عمومی نسخ و ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۲/۱۰ جانشین ماده ۲۱۸ مزبور گردیده است.

فصل چهارم – مقررات مختلفه

ماده ۳۳ – از تاجر عرض حال اعسار پذیرفته نمی‌شود تاجری که مدعی اعسار باشد باید مطابق مقررات قانون تجارت عرض حال توقف دهد. کسبه جزء مسؤول این ماده نخواهد بود.

ماده ۳۴ – در هر موقع که مسخر به تأدیه تمام یا قسمتی از بدھی خود ممکن گردد ملزم به تأدیه آن است نسبت به ورقه اجرائیه که بر علیه مسخر صادر شده مرور زمان از تاریخ ممکن جاری می‌شود و مدت آن هشت سال است.

ماده ۳۵ – اگر کسی که معافیت از مخارج محاکمه را تحصیل کرده است در دعواه اصلی خود محکوم به بی حقی گردد محکومله نیز از پرداخت بقیه مخارج محاکمه که به محکومیت مسخر منتهی شده معاف خواهد بود.

ماده ۳۶ – در کلیه اختیارات و حقوق مالی مدعی اعسار که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد طلب کاران او قائم مقام قانونی مدعی اعسار بوده و حق دارند به جای او از اختیارات و حقوق مزبوره استفاده کنند.

ماده ۳۷ – اشخاصی که دارایی نداشته با دارایی آنها کافی برای تأدیه تمام بدھی نباشد ولی با عایدات شغل و حرفه خود بتوانند تمام یا قسمتی از بدھی خود را پردازنند محکمeh (در مورد محکومبه) و اداره ثبت (در مورد اوراق لازم الاجراء) با در نظر گرفتن مبلغ بدھی و عایدات بدھکار و معیشت ضروری او میزان و مدت و عده اقساطی را که باید داده شود تعیین خواهد کرد.^۱

۱. به نظریات اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه به شرح ذیل مراجعه شود:

الف – نظریه شماره ۷/۱۱۳۷۵ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۲۶:

با توجه به ماده ۳۷ قانون اعسار، درخواست تقسیط فرع بر دعوی اعسار از پرداخت محکومبه است و قانوناً تقاضای تقسیط محکومبه مستلزم تقدیم دادخواست اعسار است تا در صورتی که دادگاه احراز نماید محکوم علیه دارایی ندارد یا دارایی او برای تأدیه تمام بدھی وی کافی نیست بر اساس ماده مذکور در مورد تقسیط محکومبه اتخاذ تصمیم نماید. بنابراین درخواست تقسیط در صورتی قابل رسیدگی است که بهموجب دادخواست اعسار به دادگاه تقدیم شده باشد.

ب – نظریه شماره ۷/۱۰۰۳۲ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۲۶:

با توجه به ماده ۳۷ قانون اعسار درخواست تقسیط فرع بر دعوی اعسار از محکوم علیه باید بدھ اعسار خود را ثابت نموده و سپس درخواست تقسیط را مطرح سازد و لذا چنانچه قبل از تکلیف هزینه دادرسی در مورد اعسار روشن شده باشد چون تقسیط از مقررات اعسار است، برای تقسیط محکومبه نیاز به پرداخت هزینه دادرسی اضافی نخواهد بود.

ج – نظریه شماره ۷/۸۰۲۲ مورخ ۱۳۷۸/۱۱/۳:

در مواردی که دادگاه به استناد قسمت اخیر ماده ۳ قانون نحوه اجراء محکومیت‌های مالی مصوب سال ۱۳۷۷ و تبصره ذیل ماده ۱۹ آینین‌نامه اجرائی قانون مذکور مصوب ۱۳۷۸/۲/۲۶ ریاست قوه قضائیه حکم به تقسیط دیده یا محکوم به صادری نماید، اخذ تأمین از محکوم علیه فاقد مجوز قانونی است و بایستی در صورت صدور حکم اعسار، محکوم علیه بالافصله از زندان آزاد شود اضافه می‌نماید ضمانت اجراء عدم پرداخت اقساط در ماده ۲۱ آینین‌نامه اجرائی قانون مورد بحث ذکر شده است.



ماده ۳۸— کسی که طلب خود را به غیر مدييون انتقال داده و بعد از انتقال آن را از مدييون سابق خود دریافت کرده و یا به دیگری انتقال دهد کلامبردار محسوب می‌شود، هرگاه مدييون بدھی خود را بعد از انتقال، به داین سابق تأديه نماید منتقل‌الیه حق رجوع به او نخواهدداشت مگراین که ثابت نماید که قبل از تأديه دین انتقال را به اطلاع مدييون رسانیده و یا اين که مدييون به وسیله دیگری از انتقال مستحضر بوده است.

ماده ۳۹— از تاریخ اجراء این قانون دیگر دعوایی به عنوان دعوی افلاس پذیرفته نخواهدشد و نسبت به دعوی افلاسی که قبل از تاریخ اجراء این قانون اقامه شده بر طبق نظامنامه مخصوصی که وزارت عدله تنظیم خواهدنمود اقدام می‌شود.

ماده ۴۰— قانون اعسار و افلاس مصوب ۲۵ آبان ماه ۱۳۱۰ نسخ و مواد ۶۲۴ و ۶۲۵ و ۶۲۶ و ۷۹۸ و ۷۹۹ و ۸۰۰ و ۸۰۱ و ۸۰۲ و ۸۰۳ و ۸۰۴ قانون اصول محاکماتی که بهموجب قانون مزبور نسخ شده به حال منسخی باقی می‌مانند و این قانون از تاریخ تصویب بهموقع اجراء گذارده می‌شود.

د— نظریه شماره ۷/۳۸۳۰ مورخ ۱۳۷۶/۶/۲۰:

تصویره ذیل ماده ۶۹۶ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) همان مقررات ماده ۳۷ قانون اعسار است که صدر آن متضمن تعريف معسر، مذکور در ماده ۱ قانون اعسار است و لذا تطبیق مورد با ماده ۳۷ قانون اعسار و تقسیط بدھی محکوم‌علیه، ملزمہ با احراف اعسار و توانایی محکوم‌علیه به پرداخت آن به اقساط بهنحو مذکور در ماده بالا دارد بنابراین تقسیط بدھی محکوم‌علیه قبل از دادخواست اعسار و جری تشریفات قانونی و احراف اعسار و تطبیق آن با ماده ۳۷ قانون اعسار وجهت قانونی ندارد مگر این که طرفین به تقسیط آن توافق نمایند که در این صورت به دادخواست اعسار و تشریفات آن نیازی نیست.